

## مواضع پیامبر و امام علی علیه السلام در برابر عبدالله بن سلام

طاهره عظیم زاده تهرانی \*

### چکیده

یهودیان مدینه، از قبایل گوناگون بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه تشکیل شده بودند. عبدالله بن سلام (۴۳.ق. / ۶۶۳.م)، یکی از یهودیان بنی قینقاع، جزء نخستین یهودیانی بود که به اسلام گروید. وی حکومت علی علیه السلام را درک کرد و تا روزگار حکومت معاویه (۴۱-۴۰.ق. / ۶۶۲-۶۸۰.م) نیز زنده بود. این مقاله با رویکرد تاریخی به بررسی و تحلیل روابط پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با این شخص و سخنان ایشان درباره او می پردازد. درباره مسلمانان او سخنان گوناگونی وجود دارد؛ برخی او را مسلمان واقعی و گروهی منافق و واردکننده اسرائیلیات دانسته اند. نتایج به دست آمده روشن کرد که با وجود این دیدگاه ها، پیامبر صلی الله علیه و آله آشکارا سخن مخالفی در مورد او ابراز نکرده و به رسوایی او نپرداخته اند، ولی روابط امام علی علیه السلام با او پیچیده است. وی با حضرت علی علیه السلام بیعت نکرد و حضرت نیز او را برای بیعت فرا نخواند، اما سخنانی در تأیید او از حضرت وجود دارد.

واژگان کلیدی: پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، عبدالله بن سلام، عدم بیعت با علی علیه السلام.

\* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ta\_azim@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

ابویوسف عبدالله بن سلام بن حارث یکی از نخستین یهودیانی است که در زمان پیامبر ﷺ مسلمان شد. با توجه به دیدگاه‌های گوناگونی که امروز درباره او وجود دارد، نحوه برخورد پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ با او مسأله مهمی است که انجام پژوهش درباره آن را ضروری می‌سازد.

عبدالله بن سلام از یهودیان بنی قینقاع<sup>۱</sup> و هم پیمان با بنی عوف از خزرج بود. تاریخ تولد او معلوم نیست، پس از پیامبر ﷺ در روزگار خلفای راشدین و پس از آن تا زمان معاویه زنده بود و سرانجام در سال ۴۳/۶۶۳ در مدینه از دنیا رفت.

پژوهش درباره عبدالله بن سلام دشوار است زیرا در صدر اسلام غیر از عبدالله بن سلام مورد بحث چند تن دیگر نیز به این نام مشهور بودند هم چون ابوهریره (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۴۹؛ خویی، ۱۴۱۳، ۱۱: ۲۱۰، امین، ۱۳۷۱: ۶/۲۹۵)؛ مولی پیامبر ﷺ (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۱۳) و عبدالله بن سلام قریشی همسرارینب که در روزگار معاویه می‌زیست (عاملی، بی تا: ۱/۱۵۷). و شخصی به نام عبدالله بن سلام که در زمان امام صادق ﷺ زندگی می‌کرد (خویی، همان، ۱۱/۲۱۰). امکان دارد اخبار این افراد در تاریخ باهم اشتباه گرفته شده باشد. علاوه بر این، آن چه مشکل را افزون می‌کند، اختلافاتی است که درباره زمان اسلام آوردن او، صداقتش در مسلمان شدن و نقش وی در گسترش اسرائیلیات، وجود دارد.

درباره عبدالله بن سلام پژوهش‌چندانی انجام نشده است، بلکه به صورت پراکنده مطالب و داوری‌هایی در کتاب‌های مختلف درباره او وجود دارد. دو مقاله "بازخوانی شخصیت عبدالله بن سلام و جایگاه وی در زمان حیات پیامبر و دوره خلفا" و "تحلیل و بررسی روایات تفسیری درباره عبدالله بن سلام" توسط آقای احمدنژاد و خانم ابراهیمی در این زمینه نوشته شده است. مقاله نخست به جنبه‌های تاریخی زندگی ابن سلام پرداخته است اما نویسندگان با دیدی کاملاً منفی در صدد هستند، اثبات کنند حاکمیت همواره در صدد آن بوده است که موقعیت دینی و اجتماعی ابن سلام را در جامعه تقویت کند و او را به مرجعیتی در مقابل حضرت علی ﷺ مبدل کند (احمدنژاد، ۷۳). و خود او نیز با سیاست دستگاه حاکم همراه بوده و در این ماجرا دخالت داشته است (همان، ۷۶). اما این رویکرد، به نظر نویسنده این مقاله افراطی است.

## ۱. دیدگاه‌های گوناگون درباره عبدالله بن سلام

پیش از شروع بحث لازم است دیدگاه‌های متضادی که درباره عبدالله بن سلام وجود دارد، معرفی



شود. براساس دیدگاه مثبتی که بیشتر میان علمای اهل سنت رواج دارد، او جزو چهار عالم بزرگ: ابودرداء، سلمان و عبدالله بن مسعود شمرده است (ابن سعد، بی تا: ۳۵۲/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۴۰۱/۳). در روایت‌هایی که توسط اهل سنت ذکر شده، پیامبر ﷺ او را جزء ده نفر بهشتی دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۴۹۳/۳؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۹۱۲/۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۴).

سعد بن ابی وقاص روایت کرده که نشنیدم رسول خدا ﷺ به کسی بگوید اهل بهشت است، جز عبدالله بن سلام (ابن حنبل، بی تا: ۱۶۹/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۹/۱۱۶-۱۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۰/۶). البته صحت این روایات مورد تردید است و علمای شیعه آن را رد کرده‌اند.<sup>۳</sup>

گروهی از علمای شیعه بدون بیان نکته‌ای منفی درباره عبدالله بن سلام به دفاع از او پرداخته‌اند. از میان علمای سلف (شیخ صدوق ۱۴۱۷: ۱۸۶)، (شیخ مفید، امالی ۱۱۴: ۱۰۶)، (سید مرتضی ۱۳۲۵: ۱۶۶/۳) و طبرسی (۱۴۱۵: ۳/۳۷۷، ۲۳۹، ۹۸) مطالبی از عبدالله بن سلام نقل کرده‌اند و در عین حال از او بد نگفته‌اند. سید بن طاووس از قول نعیم بن حماد یاد آور شده است که برخی علمای شیعه او را مخالف اهل بیت دانسته‌اند ولی خود، هم چون نعیم بن حماد به دفاع از عبدالله بن سلام و کعب الاحبار پرداخته و آن‌ها را شیعه علی ﷺ و از خواص آن حضرت دانسته است. (سید بن طاووس، ۱۴۱۶: ۸۱).<sup>۴</sup> از علمای معاصر شیعه نیز برخی به اسلام او اشاره کرده و نظر مخالفی اظهار نکرده‌اند. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷۱/۸؛ ری شهری، ۱۳۷۶: ۱۳/۱۸).

کتاب‌های رجال شیعه، بدون توضیحی او را جزء اصحاب رسول خدا ﷺ ذکر کرده‌اند (طوسی، رجال، ۴۱۵: ۴۲؛ تفرشی، ۱۴۱۸: ۳/۱۱۱؛ خویی، همان، ۲۱۰/۱۱). ابن داود نیز در فصل اول السنن (کتاب اول) یعنی معتمدین از او نام برده است (ابن داود، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

گروهی دیگر از علمای شیعه نسبت به عبدالله بن سلام نظری منفی دارند. به نظر می‌رسد وجود روایاتی مبنی بر بیعت نکردن عبدالله بن سلام با علی ﷺ سبب شده است، عده‌ای از علمای شیعه، اسلام عبدالله بن سلام را ظاهر سازی و فریبکاری بدانند و او را چون وهب بن منبه و کعب الاحبار واردکننده اسرائیلیات و احادیث جعلی در بین مسلمانان معرفی کنند (نجمی، ۱۴۱۹: ۲۲۷؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۶۵۹/۱؛ امینی، ۱۴۲۰: ۴۶). حتی کسانی که او را از جمله یهودیان قلیلی معرفی کرده‌اند که اسلام آورد (سیحانی، ۱۳۷۰: ۱/۴۶۷) در جای دیگری را جزء کسانی پنداشته‌اند که اسرائیلیات را وارد احادیث اسلام کرد، و همواره دسیسه می‌کرد (همو، ۱۴۱۶: ۱۰۱ و ۳۰۶).

حسینی طهرانی پس از طرح بیعت نکردن عبدالله بن سلام با امام علی ﷺ، می‌گوید می‌توان از نهج البلاغه ابن ابی الحدید سوء حال و عدم اعتماد به او را استفاده نمود. ایشان به سخن ممقانی

در تنقیح‌المقال اشاره می‌کند که می‌گوید عبدالله بن سلام نزد من مجهول‌الحال است. یعنی به روایات او اعتمادی نیست (حسینی طهرانی، ۱۴۰۸: ۱۱۵/۴). جعفر مرتضی‌عاملی نیز در بحثی تحت عنوان عبدالله بن سلام و اسلام، دربارهٔ اسلام عبدالله بن سلام در سال اول هجرت شک کرده و قوی که اسلام او را تا سال هشتم هجرت تأخیر می‌اندازد، مورد توجه قرار می‌دهد. وی هم چنین روایتی نقل می‌کند که براساس آن دربارهٔ عبدالله بن سلام هیچ‌آیه‌ای از قرآن نازل نشده و معتقد است فضایی را که به علی علیه السلام مربوط است، به او نسبت می‌دهند و به این جهت اسراری در پرداختن به او و مقام و شأن او وجود دارد و در نهایت او را واردکنندهٔ اسرائیلیات در اسلام می‌داند (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۶/۳-۱۱).

آیا واقعاً دستی در کار بوده که او را بزرگ کند و او تظاهر به اسلام می‌کرده و اسرائیلیات را وارد اسلام کرده است یا در سال هشتم هجرت مسلمان شده است؟ چنان چه هورویتز (Horovitz EI. I:52) نیز این خبر را مورد اعتماد می‌داند. با روشن شدن سخنان و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام با او به این سخنان نیز پاسخ داده می‌شود.

## ۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و عبدالله بن سلام

نخستین گفتگو میان پیامبر صلی الله علیه و آله و عبدالله بن سلام، هنگام اسلام آوردن او رخ داد. البته زمان و چگونگی مسلمان شدن او مبهم، آمیخته با افسانه و نامشخص است. براساس یک نقل اسلام آوردن او در پی پرسش و پاسخ‌هایی رخ داد که به نام مسائل عبدالله بن سلام مشهور شده‌اند. مسائل عبدالله بن سلام به نامه‌ای بازمی‌گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله به یهودیان مدینه فرستاد. یهودیان از عبدالله بن سلام خواستند پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله را بدهد و او هزار و چهارصد و چهارمسأله<sup>۵</sup> از تورات جمع‌آوری کرد و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و خواست حضرت آن‌ها را پاسخ دهد. تاریخ دقیق این نامه و دیدار عبدالله بن سلام با پیامبر معلوم نیست. در بحارالانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۱/۵۷) و اختصاص آمده است که پس از بعثت، پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور گردید نامه‌ای به کفار و مسیحیان و یهودیان بنویسد؛ در نتیجه این نامه به یهودیان خیر نوشته شد. برخی، زمان این نامه را سال هفتم هجرت، هنگام جنگ خیبر ذکر کرده‌اند (احمدی میانجی، همان: ۴۸۸/۲) که به البته نظر می‌آید درست نباشد، زیرا بیشتر منابع از اسلام ابن سلام پیش از جنگ خیبر در سال اول هجرت یاد کرده‌اند.

متن مسائل عبدالله بن سلام به طور پراکنده در کتاب‌های مختلف آمده است (صدوق، ۱۳۸۵، ۱۵۵/۲؛ مجلسی، همان، ۳۱۵/۸ و ۱۶/۸۹) و احادیثی وجود دارد که در مواردی ائمه به آن استناد

کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۳/۱، ۴۴۷).

ابن وردی (د. ۸۶۱ یا ۱۴۵۷/۸۵۰ یا ۱۴۴۶) در کتاب *خریده العجائب و فریده الغرائب* (۱۶۵-۱۷۹) و شیخ مفید (د. ۱۰۲۲/۴۱۳) در کتاب منسوب به او؛ اختصاص (۵۰-۴۲) و علامه مجلسی (در گذشته ۱۱۱۰ق/۱۶۹۸) در کتاب *السما و العالم* (۱۴۰۳: ۲۴۱/۵۷) مطالب آن را با اختلافاتی آورده‌اند. علامه مجلسی، متن مسائل عبدالله بن سلام را در برخی از کتاب‌های قدیمی از جمله کتاب *ذکر الاقالیم و البلدان و الجبال و الانهار و الاشجار* یافته است.<sup>۷</sup> هم‌چنین کتاب *اجوبه مسائل عبدالله بن سلام* از شیخ ابوالعباس مستغفری مورد استفاده او بوده است (۱۴۰۳: ۲۲/۱ و ۴۲). *مسائل عبدالله بن سلام* به فارسی نیز ترجمه شده است.<sup>۸</sup>

تناقضاتی در متن عبارات *مسائل عبدالله بن سلام* وجود دارد که اصالت آن را مورد تردید قرار می‌دهد، از جمله کاتب نامه به یهودیان در یک جا سعد بن ابی وقاص (مفید، ۱۴۱۴: ب: ۴۲) و در جای دیگر امام علی علیه السلام (مجلسی: ۲۴۱/۵۷) ذکر شده است. دیگر آن که عبدالله بن سلام از یهودیان بنی قینقاع بود، در حالی که در این نامه از یهودیان خیبر خوانده شده است، اما در میان یهودیان خیبر شخصی به نام عبدالله بن سلام وجود ندارد. مطلب سوم آن که اسم او در *بحار الانوار*، *اسماویل آمده در صورتی که در همه منابعی که به شرح حال او پرداخته‌اند*، نام دوران جاهلیت او حصین نوشته شده است.<sup>۹</sup> هم‌چنین این نامه در کتابهای تاریخ، چون *تاریخ طبری*، *تاریخ یعقوبی*، *تاریخ مروج الذهب و التنبیه و الاشراف* مسعودی نیامده است. در *سیره ابن هشام* (۱۶۶/۲) هم فقط نامه پیامبر به یهودیان خیبر ضمن اخبار سال اول هجرت آمده و پاسخی برای آن ذکر نشده است. ابن عساکر در *تاریخ مدینه دمشق* مطالب بسیاری درباره عبدالله بن سلام و از او نقل کرده و مسائل عبدالله بن سلام را نیاورده است.<sup>۱۰</sup> مشخص نیست نخستین منبعی که مسائل عبدالله بن سلام را نقل کرده متعلق به کدام قرن می‌باشد. ابن وردی نوشته است که این خبر را از کتاب *البدء*<sup>۱۱</sup> ابوزید بلخی (د. ۳۲۲) نقل کرده است. بلخی در آغاز قرن چهارم می‌زیسته است (ابن وردی، بی تا: ۱۷۹). شیخ صدوق (د. ۹۹۱/۳۸۱) در قرن چهارم به آن توجه داشته است (مجلسی، همان: ۲۰۵/۲۶۱) و مطالب آن در سده های پنجم و ششم هجری/یازدهم و دوازدهم میلادی در بین مسلمانان رایج بوده است به طوری که در سده ۱۲/۶ به زبان لاتین ترجمه و در اروپا منتشر شد.

نکته قابل توجه آن که در اروپا هنگام قرون وسطی به مسائل عبدالله بن سلام توجه خاص شده و همراه با ترجمه قرآن رابرت کتونی در سال (۱۱۴۳ م) در مجموعه *طلیطله* منتشر شده است.

هرمان دالماتا<sup>۱۳</sup> (۱۱۷۲.د) آن را به زبان لاتینی ترجمه کرده بود. تئودور بلیاندر<sup>۱۳</sup> (۱۵۶۴.د) پروتستان سوئیسی هم دوباره آن را در سده شانزدهم در شهر بال منتشر کرد (بدوی، ۱۹۸۹: ۴۸). یوهان آلبرت ویدمانشتتر<sup>۱۴</sup> (۱۵۵۷.د) کاتولیک آلمانی نیز آن را ذیل عنوان مذهب محمد<sup>۱۵</sup> آورد (کریمی نیا، ۱۳۸۱: ش ۱۱).

به نظر می‌رسد دشمنی میان مسیحیان و یهودیان در اروپا به ویژه در اندلس<sup>۱۶</sup> سبب گردید که نخستین شرق شناسان به متن مسائل عبدالله بن سلام<sup>۱۷</sup> که به نوعی آیین یهود را پایان یافته اعلام می‌کرد، توجه کنند.

به طور کلی مسائل عبدالله بن سلام مشکوک است. علامه مجلسی پس از ذکر مسائل عبدالله بن سلام در پایان اضافه می‌کند این روایت را به خاطر شهرت آن بین شیعه و اهل سنت و چون صدوق و علمای دیگر شیعه، قسمت‌هایی از آن را نقل کرده‌اند، آورده است، در حالی که در آن، اخبار مخالف نیز بیان شده است. وی امیدوار بود که نسخه دیگری از مسائل عبدالله بن سلام بیابد تا براساس آن این مطالب را تصحیح کند (مجلسی، همان: ۲/۵۷-۲۶۱).<sup>۱۸</sup>

از آن‌جا که مسائل عبدالله بن سلام مورد سؤال قرار گرفته و به پژوهش جدی نیاز دارد، از پرداختن به پاسخ‌های پیامبر به او خودداری می‌کنیم.<sup>۱۹</sup> اما همین که او پیش از هجرت و با پرسیدن این سؤال‌ها از پیامبر ﷺ اسلام آورده است، نشان می‌دهد پیش از هجرت مسلمان نبوده است و یا اسلام خود را علنی نکرده است.

## ۲-۱. مطالب نقل شده درباره عبدالله بن سلام

۱- بسیاری اسلام آوردن او را در آغاز هجرت ذکر کرده‌اند. در این مورد نیز سخنان گوناگون وجود دارد. یک قول این است که عبدالله بن سلام هنگام ورود پیامبر ﷺ به مدینه به دیدار آن حضرت شتافت و سؤالاتی پرسید و با شنیدن پاسخ‌های پیامبر ﷺ اسلام آورد (بخاری، ۱۴۰۶: ۱۰۲/۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۳۶۷/۱)، سپس از پیامبر ﷺ خواست که اسلامش را پنهان دارد و از یهودیان درباره سابقه و علم او سؤال کند. چون یهودیان به دانش و بزرگی او اعتراف کردند، اسلام خود را آشکار کرد، ولی یهودیان اسلام نیاورده و او را جاهل دانستند (ابن هشام، ۱۳۸۳: ق ۱۳۹/۲؛ ذهبی، همان: ۳۴/۲).

نقل دیگر درباره اسلام آوردن او این است که پیامبر ﷺ در یکی از عیدهای یهودیان در مدینه به کنیسه ایشان رفت و فرمود اگر دوازده نفر از یهودیان ایمان بیاورند، خداوند غضبش را از یهودیان جهان برمی‌دارد، آن‌ها ساکت شدند، پیامبر ﷺ سخن خود را سه بار تکرار کردند، سرانجام

عبدالله بن سلام پس از این که از یهودیان برای خود تأیید گرفت، اسلام آورد (ابن عساکر، همان: ۱۱۳/۲۹؛ طباطبایی: ۱۳۹۷: ۳۰۲/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ۱۲/۳۱۲).

این روایت به نظر درست نمی آید، زیرا بعید است خداوند به خاطر اسلام آوردن چند نفر، عذاب را از یهود بردارد، ضمن آن که در روایت تعداد دوازده نفر ذکر شده است در حالی که فقط عبدالله بن سلام اسلام آورد.

آن چه منابع برسر آن اتفاق دارند این است که وی به استناد نقل هایی که از تورات و یا دیگر آثار یهود درباره ظهور رسول خدا ﷺ در دست داشته و سؤالاتی که از حضرت پرسیده، مسلمان شده است.

۲- پس از مسلمان شدن عبدالله بن سلام پیامبر ﷺ نام او را که در جاهلیت حصین نام داشت، تغییر دادند و نام او را عبدالله گذاشتند (ابن عبدالبر، همان: ۹۲۱/۳). ظاهراً رسم پیامبر ﷺ چنین بود که اسامی افراد را، به ویژه کسانی که اسامی نامناسب داشتند، بعد از اسلام تغییر می دادند.

۳- براساس اخباری که از سال های نخست هجرت در مورد عبدالله بن سلام نقل شده است، پیامبر ﷺ میان او و ابویوب انصاری پیمان برادری برقرار کردند (امینی، ۱۳۹۷: ۱۱۱/۳). ابویوب مهمان دار پیامبر ﷺ و از پیشگامان در اسلام بود. وی در همان سال های نخست هجرت از سوی پیامبر ﷺ مأمور شد منافقانی را که در مسجد پیامبر ﷺ حاضر می شدند و مسلمانان را استهزاء می کردند (و برخی از آنان از خویشاوندان او بودند) بیرون بیاورد (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۱۷۵/۲). در میان اسامی، نامی از این سلام نیامده است.

۴- عبدالله بن سلام پس از آشکار کردن اسلام خود، مورد اذیت و آزار و بی توجهی یهودیان قرار گرفت، به این جهت نزد پیامبر ﷺ از پر خورد یهودیان با خود شکایت کرد (طبری، ۱۴۰۳: ۵۴؛ کراجکی، ۱۳۶۹: ۱۵۶). در نهایت ظاهراً به دستور پیامبر روابط خود را با یهودیان قطع کرد (کوفی، ۱۴۱۲: ۱۶۹).

گاهی در برابر یهودیان به دفاع از پیامبر ﷺ می پرداخت و دروغ آن ها را رسوا می کرد (ابن هشام، همان: ۴۰۵/۲). وی مدعی بود پیامبر ﷺ را بر اساس مطالب تورات بهتر از فرزند خود می شناسد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۵/۱).

۵- از شرکت او در جنگ ها، اطلاع چندانی نداریم. این که او را از بدریان شمرده اند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۱۹/۵) ظاهراً درست نمی باشد و خبر واحدی است. ابن حجر هم آن را رد کرده است. آن چه از او در غزوات پیامبر ﷺ ذکر شده در ارتباط با یهود است به نظر می رسد. پیامبر ﷺ در جنگ با

یهودیان به او مسئولیت داده‌اند. بنابراین چه واقدی نوشته است در جریان غزوه بنی‌نضیر، در سال چهارم هجرت برای قطع درختان خرماي بنی‌نضیر فرستاده شد و او لون را که نوعی نخل است، قطع کرد (واقدي، بی تا: ۳۷۲/۱؛ ابن حبان، ۱۳۹۳/۱: ۲۴۲). گفته‌اند آیه پنجم سوره حشر<sup>۲۰</sup> در مورد قطع این درخت نازل شد، ولی در کتاب‌های تفسیر هم چون تفسیر طبری و شیخ طوسی و طبرسی نام عبدالله بن سلام به عنوان قطع کننده درخت نیامده است. واقدی که از عبدالله بن سلام نام برده، نوشته است عبدالله بن سلام پس از نزول آیه گفت دانستم که اموال ایشان را خداوند غنیمت خواهد گرفت (واقدي، همان و ۳۸۱). در جنگ بنی‌قریظه (سال پنجم هجرت) پس از داوری سعد بن معاذ مبنی بر بیرون کردن زنان یهودی از مکه، وی از سوی پیامبر ﷺ مأمور اخراج زنان و کودکان بنی‌قریظه گردید (ابن سعد، همان: ۷۵/۲). اگر اسلام آوردن او را در سال نخست هجری بدانیم، احتمال دارد دلیل ذکر نشدن نام او در دیگر جنگ‌های پیامبر ﷺ، نقش نداشتن در آن‌ها بوده باشد، از این رو نمی‌توان از او به عنوان فردی فعال و مؤثر در غزوات صدر اسلام یاد کرد.

۶- از سوی دیگر، پس از مسلمان شدن نیز وابستگی او به دین یهود گزارش شده است، زیرا هم‌چنان به تورات معتقد بود و یک شب قرآن و یک شب تورات تلاوت می‌کرد (ابن عساکر، همان: ۳۱/۲۹)، شنبه را بزرگ می‌دانست و به احکام تورات عمل می‌کرد تا آن‌جا که اعتراض مسلمانان را برانگیخت و گفته شده سبب نزول آیه «یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه» (بقره/۲۰۸) این بوده است که عبدالله بن سلام و یهودیانی که همراه او ایمان آورده بودند، از پیامبر ﷺ اجازه گرفتند تورات را در نماز قرائت کنند و پیامبر آن‌ها را نهی کردند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵۲۹/۱).

۷- گاه عبدالله بن سلام بر اساس آگاهی‌های خود از تورات، از پیامبر ﷺ سؤال می‌کرد، از جمله خواست درباره شعیب به او اطلاع دهد. پیامبر فرمود او کسی است که بشارت به پیامبری من و برادرم عیسی بن مریم داده است (طبرسی، ۱۴۱۸: ۴۵۰).

۸- روایاتی وجود دارد که به سخنان او با پیامبر ﷺ پرداخته و از دانش فراوان او سخن گفته‌اند. پیامبر ﷺ از او پرسیدند آیا صفتی از من را در تورات یافته‌ای؟ (حلبی، ۱۰۴۴: ۳۲۳/۲) و یا روزی معاذ بن جبل را فرستادند تا او را نزد پیامبر بیاورد؛ آن‌گاه پیامبر ﷺ از او خواست که از ده کلمه‌ای که خداوند به ابراهیم آموخت تا از آتش نجات یابد، خبر دهد (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۴۴).<sup>۲۱</sup> در این روایت مقام عبدالله بن سلام چنان بالا می‌رود که او برای پیامبر ﷺ وصف می‌کند چگونه ابراهیم کلمات را فراگرفت (مجلسی، همان: ۳۵۴/۹۲). ممکن است این روایات پس از عبدالله بن سلام و برای بزرگ کردن او ساخته شده باشد.



ابن عباس با این که معتقد بود نباید از اهل کتاب درباره قرآن سؤال کرد، اما عبدالله بن سلام را قبول داشت و از او درباره تبع و عزیر پرسید که چه کسانی بودند و از هدهد سؤال کرد که چرا سلیمان پیامبر، او را از بین پرندگان مورد توجه قرار داد؟ (ابن عساکر، همان: ۷/۱۱).

۹- پیش‌گویی‌هایی از عبدالله بن سلام، از جمله درباره پیامبر ﷺ و خلفای راشدین نقل شده که خود او آن‌ها را مبتنی بر کتاب‌های پیشینیان می‌دانسته است. به نظر می‌رسد این سخنان باید بعدها ساخته شده باشد (ر.ک جعفریان، ۱۳۷۴، ۱۶۲/۲). وی صفات رسول خدا را براساس تورات چنین بیان می‌کند که شاهد و مبشر و نذیر است، خشن نمی‌باشد، بلند در بازار سخن نمی‌گوید، بدی را با بدی پاسخ نمی‌دهد، عفو می‌کند و... (همان، ۳/۳۸۸).

وی اعتقاد زیادی به پیامبر ﷺ داشت به گونه‌ای که پس از درگذشت پیامبر ﷺ، لیوان آن حضرت را نگه داشته بود و آن را متبرک می‌دانست و افرادی را برای خوردن آب از لیوان آن حضرت دعوت می‌کرد (بخاری، ۱۴۰۶: ۱۵۴/۸).

با توجه به تمام مطالبی که از پیامبر ﷺ درباره او نقل شده است، چنین به نظر می‌رسد که در مورد تظاهر او به اسلام مطلبی وجود ندارد. از همه مهم‌تر روش پیامبر ﷺ نشان می‌دهد هرگاه کسی ادعای مسلمانی می‌کرد، حضرت آن را می‌پذیرفتند. آن حضرت اجازه فاش کردن نام منافقان را در عقبه هرشی ندادند (واقدی، همان: ۱۰۴۲/۲) و به پسر عبدالله بن ابی که می‌خواست پدر خود را به خاطر خیانت و توهین به پیامبر ﷺ بکشد، فرمودند دست از وی بدار، به جان خودم سوگند تا در میان ما باشد با وی به نیکی رفتار خواهیم کرد (آیتی، ۱۳۶۹: ۴۴۳). احتمالاً زمان اسلام آوردن او در همان سال‌های اول هجرت بوده است زیرا بیشتر منابع، اسلام آوردن او را سال نخست هجرت و روزهای آغازین ورود حضرت محمد ﷺ به مدینه دانسته‌اند (ابن هشام، همان: ۱۳۸/۲؛ ابن حجر، همان: ۱۱۸/۴؛ ابن خلدون، بی تا: ۱۷/۲).

### ۳. عبدالله بن سلام در روزگار سه خلیفه نخست

عبدالله بن سلام پس از درگذشت پیامبر ﷺ در اجتماعات مدینه حاضر می‌شد و مردم نسبت به او حسن‌نیت داشتند (ابن عساکر، همان: ۱۲۳/۲۹). درباره موضع‌گیری او در برابر ابوبکر مطلبی مشاهده نشد. نام او در زمره کارگزاران ابوبکر و یا شرکت‌کنندگان در جنگ‌های مشهور به زده دیده نشده است.

در روزگار عمر در کنار او، در فتح بیت المقدس شرکت داشت (همان: ۹۷/۲۹). ابن عساکر نوشته که در فتح جابیه، که منظور همان فتح دمشق است، شرکت داشته است. اگر خبر او درست باشد

بیش از عمر به منطقه اعزام شده و زمانی که مردم بیت المقدس خواستند خلیفه خود به آن جا بیاید، عبدالله بن سلام به عمر پیوست. از شرکت او در فتح ایران و جنگ نهاوند سخن گفته‌اند. از این جهت می‌توان گفت در جنگ‌های دوره عمر فعال بوده است. وی شاهد فتح نهاوند بود (همان: ۱۳۴). هنگام مرگ عمر در مدینه حضور نداشت، این‌که آیا یا در خانه خود، در خارج از شهر و یا جای دیگری بوده، مشخص نیست. البته با توجه به این‌که پس از اقامه نماز مردم بر عمر، رسید، می‌توان حدس زد در نزدیکی مدینه به سر می‌برده است. پس از ورود به مدینه گفت اگر در نماز بر او (عمر) از من سبقت گرفتید، لیکن در ستایش از او بر من سبقت نخواهید گرفت و با جملات زیبایی عمر را ستود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۰۷/۱۲؛ ابن‌شبه‌النمیری، ۱۴۱۰: ۹۳۹/۳). در مورد عمر گفته است از پدرش از موسی بن عمران و از جبرئیل روایت شده که در امت محمد، مردی که به او عمر گویند، وجود دارد که بهترین مردم از نظر دین‌داری و نیکوترین آن‌ها از جهت یقین می‌باشد و او قفل جهنم است (همان: ۳۳۴/۴۴) و در جای دیگر عمر را خلیفه پس از نوح<sup>۲۲</sup> لقب داده است (همان: ۱۱۱۰/۳).

هنگام شورش بر ضد عثمان به خانه او آمد و گفت می‌خواهد کمک کند. عثمان از او خواست که مردم را از شورش بازدارد و او برای مردم سخن گفت و آن‌ها را به عواقب خلیفه‌کشی متوجه کرد (طبری، ۱۴۰۳: ۴۲۱/۳). درباره وصف عثمان در کتاب‌های یهودیان گفته است: "نجده امیراً یوم القیامه علی القاتل و الخاذل" (ابن‌سعد، همان: ۸۱/۳). هنگام شورش بر ضد عثمان<sup>۲۳</sup> سخنرانی کرد که در صورت کشتن عثمان، خون‌ریزی دوام خواهد یافت و ملائکه از یاری مردم مدینه دست خواهند کشید، ولی مردم نپذیرفتند و گفتند ای یهودی‌زاده تو را چه به این مسأله؟ (طبری، همان: ۴۲۱/۳؛ ابن‌حجر، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۴). وی پس از قتل عثمان نیز گفت بدانید که مردم پیامبر خودشان را نکشتند مگر این‌که هفتاد هزار نفر کشته شد و خلیفه خود را به قتل نرساندند مگر این‌که سی و پنج هزار تن از آن‌ها به قتل رسید (ابن‌سعد، همان: ۸۴/۳؛ ابن‌شبه، همان: ۱۱۷۷/۴).<sup>۲۴</sup>

این سخنان عبدالله بن سلام موجب شده است او به عنوان یک یهودی مسلمان شده که در حدیث و سیاست به ویژه در جریان عثمان نقش داشته است، توصیف شود (جعفریان، ۱۳۷۷: ۳۹۶/۱) و شیعه عثمان (مقدسی، بی‌تا: ۱۱۸/۵) اما خبری مبنی بر این‌که در زمان عثمان و قبل از آن منصب سیاسی داشته باشد، نقل نشده است. نقل کرده‌اند در آن دوره، در خانه‌اش، خارج از شهر بود و هر جمعه برای نماز به مدینه می‌آمد. ضمن این‌که از امام علی<sup>علیه‌السلام</sup> هم روایت شده که به عثمان فرمود: "من تو را بر حذر می‌دارم که پیشوای مقتول این امت باشی زیرا گفته شده در این امت

پیشوایی به قتل می‌رسد که بعد از آن تا روز قیامت خون‌ریزی در میان امت برقرار می‌ماند" (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳). در این جا شباهت بین سخنان امام علی علیه السلام و ابن سلام وجود دارد، از این رو نمی‌توان این سخنان او را طرفداری از عثمان در نظر گرفت.

#### ۴. علی علیه السلام و عبدالله بن سلام

عبدالله بن سلام در روزگار علی علیه السلام با آن حضرت بیعت نکرد (همان، ۴۵۲). ابن ابی‌الحدید نوشته است علی علیه السلام در پی کسانی که با او بیعت نکردند، فرستاد، اما کسی را دنبال حسان بن ثابت، کعب بن مالک و عبدالله بن سلام نفرستاد و علت آن را چنین فرمود کسانی که نیازی به ما ندارند، ما هم به یاری آن‌ها نیاز نداریم<sup>۲۵</sup> (ابن ابی‌الحدید، همان: ۸-۹/۴). ظاهراً این خبر در منابع کهن دیگر ذکر نشده است.

در مقابل روایاتی که از بیعت نکردن عبدالله بن سلام با علی علیه السلام خبر دارد، اخباری وجود دارد که عبدالله بن سلام پس از این که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید نام علی در نزد شما چیست؟ و پیامبر صلی الله علیه و آله جواب دادند: "الصدیق‌الاکبر، اسلام آورد و گفت در تورات یافتیم که محمد نبی‌الرحمه و علی قیم‌الحجه: محمد پیامبر رحمت و علی برپادارنده حجت، دلیل خداوند است" (مفید، ۱۴۱۴: ۱۰۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۸۶/۲؛ مجلسی، همان: ۵۱/۲۸) و در ادامه شهادتین خود گفت و امینه‌المرتضی و امیره‌علی جمیع الوری (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱/۴۴۸).

در روایت دیگری آمده است که عبدالله بن سلام و عده‌ای از یهود از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره جانشین او سؤال کردند، در این هنگام آیه *انما ولیکم الله ورسوله* (مائده ۵۵) نازل شد، بعد به مسجد رفته و در آن جا دیدند که علی علیه السلام در حال نماز انفاق می‌کند (صدوق، ۱۴۱۷: ۱۸۶؛ فتال نیشابوری، بی‌تا: ۱۰۲؛ ابن شهر آشوب، همان: ۲۰۹/۲؛ طباطبائی، همان: ۱۶/۶).

البته شأن نزول دیگری درباره این آیه وجود دارد که آن هم درباره عبدالله بن سلام است. زمانی عبدالله بن سلام و چند تن از یهودیان تازه مسلمان، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از برخورد های یهودیان با خود شکایت کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حال صحبت با آن‌ها بود که آیه مذکور نازل شد. در همین هنگام اذان گفتند، به مسجد رفته و در آن جا مشاهده کردند علی علیه السلام انگشتی خود را در حال نماز به سائلی هدیه داد (قاضی‌النعمان، ۱۴۱۴: ۱/۲۲۵؛ طبری، ۱۳۱۴: ۵۴). روایت دیگری از عبدالله بن سلام نقل شده است که از رسول صلی الله علیه و آله خواست لوای حمد را برای او وصف کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود آن سه سطر است: "سطر اول بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، سطر دوم الحمد لله‌العالمین، سطر سوم لاله‌الاله محمد رسول الله، علی ولی الله" (قندوزی، ۱۴۱۶: ۲/۲۹۴؛ رحمانی، ۱۴۱۷: ۸۱). علامه مجلسی به

روابط دوستانه او با سلمان فارسی اشاره دارد (مجلسی، همان: ۱۶۲/۱۰۲).

هنگامی که علی رضی الله عنه برای جنگ جمل به عراق می‌رفت، عبدالله بن سلام نزد او آمده و اصرار ورزید که مدینه را ترک نکند، زیرا دیگر برای همیشه این شهر را نخواهد دید. (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۴؛ حاکم النیشابوری، بی تا: ۱۳۷/۳). نوشته‌اند که علی رضی الله عنه فرمود او مردی صالح از اهل بیت علیهم السلام است (سیدبن طاووس، همان: ۸۰؛ ابن حجر، همان: ۱۱۸/۴؛ حاکم النیشابوری، همان: ۱۳۷/۳)؛ یا فرمود مرد نیکویی از اصحاب محمد است (ابن خلدون، بی تا: ۱۵۸/۲).

سیدبن طاووس از سخنانی که عبدالله بن سلام درباره علی رضی الله عنه گفته، چنین نتیجه می‌گیرد که عبدالله بن سلام اعتقاد داشت خلیفه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، مولانا علی رضی الله عنه است (سیدبن طاووس، همان: ۸۱). ابوری یکی از علمای اهل سنت مردم را پس از علی رضی الله عنه به سه گروه تقسیم کرده است و عبدالله بن سلام را نه از اهل هدایت و نه از گمراهان بلکه از دسته دوم یعنی کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را کنار گذاشتند، دانسته است (ابوری، بی تا: ۱۹۰).

در مورد موضع ابن سلام در زمان خلافت علی رضی الله عنه تناقضاتی مشاهده می‌شود. در مورد اعتقاد درونی او نمی‌توان داوری کرد، آن چه معروف است او با علی رضی الله عنه بیعت نکرد، همین طور تاریخ از حضور او در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان مطلبی نوشته است.

اما وارد کردن اسرائیلیات توسط عبدالله بن سلام در اسلام بحثی است که در قسمت احادیث او به آن می‌پردازیم. او واقعه حره را هم از کتاب یهود بن یعقوب پیش بینی کرد (حلبی، همان: ۲۶۹/۱).

## ۵. احادیث و اسرائیلیات عبدالله بن سلام

در منابع، حرکتی که نشان دهنده نفاق و یا توطئه عبدالله بن سلام بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، دیده نشده است. آن چه سبب گردیده عده‌ای از علمای شیعه با او مخالفت کنند، یکی عدم بیعت او با علی رضی الله عنه است که پیش از این ذکر شد و دیگری احادیثی است که به او منسوب می‌باشد و علمای شیعه آن‌ها را ضعیف می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۳۳۲) اما برخی نیز او را رواج دهنده اسرائیلیات و یا از قصاصین (جعفریان، ۱۳۷۷: ۷۴۳/۲) دانسته‌اند.

بر اساس نوشته زرکلی حدود بیست و پنج حدیث از او نقل شده است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۹۰/۴). رابیان او ابوهریره، عبدالله بن مغفل، انس، عبدالله بن حنظله، قیس بن عباد، ابوسلمه بن عبدالرحمان، خرشه بن الحر و دو پسرش بودند (ابن حجر، همان: ۱۱۸/۴). چنان چه عبدالله بن سلام سال اول هجرت، اسلام آورده باشد، تعداد احادیث او بسیار کمتر از ابوهریره است که در سال هفتم هجرت مسلمان شد و ۵۳۷۴ حدیث از پیامبر روایت کرد (زرکلی، همان: ۳۰۸/۳).

احادیثی که به عبدالله بن سلام منسوب است، چند دسته می باشد. برخی مربوط به اخلاقیات است مانند روایتی که از نخستین روز اسلام آوردن خود از پیامبر ﷺ نقل کرده و اهمیت سلام و آشکارگفتن آن، صلۀ رحم، اطعام کردن و نماز شب را بیان نموده است (ابن عبدالبر، همان، ۹۲۱/۳) و یا حدیثی به این مضمون که بنده ای داخل بهشت نمی شود، در حالی که در قلبش ذره ای کبر باشد (ابن جوزی، ۱۳۶۸: ۱۳۰) و احادیث دیگری در این زمینه که توسط ابن عساکر نقل شده است (ابن عساکر، همان ۹۸/۲۹).

احادیثی درباره احکام از او نقل شده است از جمله این که هنگام نماز صورت خود را برنگردانید که نماز شخصی که پشت به قبله کند، درست نمی باشد (حافظ اصبهانی، ۱۹۳۴: ۱۲۷/۱). برخی از روایت های او برخاسته از تورات است که به آن ها اسرائیلیات نیز گفته اند، از جمله روایت های مربوط به آغاز خلقت جهان و آدم (ابن اثیر، همان: ۱۸/۱؛ طبری، ۱۴۰۳: ۱۵/۱، ۲۹، ۳۲، ۳۸؛ ابن خلدون، همان: ۲۱۳/۱). شبیه این روایت از ابوهریره نقل شده است (ابوریه، همان: ۹۸) ممکن است اصل این روایت از ابوهریره باشد که پیش از این ذکر کرده ایم برخی نام او را عبدالله بن سلام دانسته اند.

احادیث مربوط به هاییل و قایل و علت اختلاف این دو برادر هم از عبدالله بن سلام و هم کعب الاحبار روایت شده است (ابن عساکر، همان: ۳۶/۴۹). به طور کلی در اخبار و روایاتی که از عبدالله بن سلام نقل شده است دو نکته زیاد جلب توجه می کند: یکی دانش زیاد و دیگر پیشگویی های او که هر دو به گفته خودش از تورات نقل شده است.

## نتیجه‌گیری

عبدالله بن سلام از نخستین یهودیانی بود که اسلام آورد. وی نسبت به آیین یهود اطلاعاتی گسترده داشت و نسبت به پیامبران و پیامبر اسلام ﷺ هم آگاه بود.

پس از اسلام آوردن در کنار پیامبر ﷺ باقی ماند و ارتباط خود را با یهودیان قطع کرد. در جنگ‌ها نام او ذکر نشده است، ولی از طرف پیامبر ﷺ مأموریت‌هایی در جنگ با یهودیان چون بنی‌نضیر و بنی‌قریظه داشت. در دوران پیامبر ﷺ مخالفت و یا نفاق از او دیده نشد، جز دل‌بستگی زیاد به تورات؛ تا آن‌جا که اجازه خواست تورات را در نماز قرائت کند و پیامبر ﷺ مخالفت کردند.

مشهور است در فتح بیت المقدس و جابیه همراه خلیفه دوم حضور داشته و موقع مرگ عمر، او را مدح کرده است. هنگام شورش بر ضد عثمان جزو مخالفین به قتل رساندن عثمان بود و مردم را از این کار نهی کرد. از کسانی بود که با خلافت علی رضی الله عنه بیعت نکرد ولی اخباری وجود دارد که اعتقاد او را به امامت و خلافت علی رضی الله عنه نشان می‌دهد. علی رضی الله عنه را هنگام خروج از مدینه نهی کرد، زیرا دیگر به آن‌جا برنخواهد گشت.

در مورد نقش او در گسترش اسرائیلیات چنان‌چه در مسائل عبدالله بن سلام و احادیث مربوط به آفرینش دیده می‌شود، این مسأله روشن است که او از علمای یهود و آگاه و دل‌بسته به تورات بوده است و احادیثی که نقل کرده باید به دقت بررسی گردد، ضمن این که ممکن است برخی از احادیث نقل شده از او واقعاً متعلق به او نباشد و از ابوهریره و یا افراد دیگر باشد که با او هم نام ذکر شده‌اند و یا از احادیثی باشد که به او نسبت داده‌اند. به رغم این که برخی از علمای شیعه او را در حدیث ضعیف دانسته‌اند، سخنی از پیامبر ﷺ بر ضد او و یا درباره نفاق او دیده نشده است. به نظر می‌رسد بدبینی‌ای که در فرهنگ اسلامی در مورد یهودیان وجود دارد، در بزرگ کردن نقش منفی عبدالله بن سلام در تاریخ اسلام تأثیر داشته است.



## پی‌نوشت‌ها

۱- قبیله بنی قینقاع اولین یهودیانی بودند که پیامبر پس از ورود به مدینه، با ایشان پیمان عدم تعرض بستند. بازار آنان در مدینه مشهور بود و بیشتر به کار زرگری می‌پرداختند. تعداد آن‌ها را چهارصد تن ذکر کرده اند (مسعودی، بی‌تا: ۲۰۷) اینان جزو یاران عبدالله بن ابی شمرده می‌شدند. این قبیله نخستین یهودیانی بودند که پس از جنگ بدر در سال دوم هجرت پیمان شکنی کرده و با پیامبر ﷺ جنگیدند.

۲- حتی قاضی عیاض چنین نوشته است: عبدالله بن سلام از احبار یهود بود که نیکو اسلام آورد و همراه پیامبر ﷺ بود، تا این که در غزوه تبوک، هنگام برگشت به مدینه درگذشت (ر.ک قاضی عیاض، ۱۴۰۹: ۱۹۰/۱). این سخن درست نیست، به نظر می‌رسد که او را با عبدالله بن ابی اشتباه گرفته‌اند که پس از تبوک از دنیا رفت.

۳- جهت نادرست بودن حدیث العشره المبشره و حدیث سعد درباره عبدالله بن سلام ر.ک: (الحسینی آل المجدد، "فی بطلان حدیث العشره المبشره"، تراثنا، ۴۱/۶۴-۱۳).

۴- در مقاله «بازخوانی شخصیت عبدالله ابن سلام و جایگاه وی در زمان حیات پیامبر ﷺ و دوره خلفا» آمده سید بن طاووس با نظر نعیم بن حماد که ابن سلام را شیعه می‌داند مخالفت ورزیده است و این را یکی از دلایل منفی بودن شخصیت ابن سلام ذکر کرده است (ص ۷۲) در حالی که سید بن طاووس معتقد است ابن سلام آدم درستی بوده است. به نظر می‌رسد نویسندگان محترم مطالب را اشتباه ترجمه کرده‌اند. ر.ک. (سید ابن طاووس ۱۴۱۶: ۳۵).

۵- عبدالله بن سلام از پیامبر ﷺ سؤال‌های متعددی پرسیده است و قصد خود را از سؤال کردن، یافتن حقیقت عنوان کرده است (ری شهری، ۱۳۷۶: ۲۶۹).

۶- چندین ابن وردی وجود دارد. مؤلف خریده العجائب را بر خلاف نوشته روی کتاب که زین الدین عمر بن مظفر وردی ذکر شده، سراج‌الدین ابوالحفص عمر بن الوردی می‌دانند (ر.ک کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۳۹۲).

۷- نام این کتاب را در کتاب‌های جغرافیایی نیافتیم.

۸- آقا بزرگ طهرانی ترجمه مسائل عبدالله بن سلام به فارسی را همراه جامع الحکایات در نجف مشاهده کرده (طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۶/۲۰۲ و ۲۴۷)، هم چنین نسخه‌ای از آن را نزد سید جلال الدین محدث ارموی در طهران دیده است (همان: ۲۶/۲۰۶).

۹- (ابن وردی، بی تا: ۱۶۵) نیز نام او را اشمویل آورده است. ممکن است این نام، عبری و حصین، عبری آن باشد.

۱۰- آقای مطهری در کتاب *آشنایی با قرآن* (۱۷۱/۸) به مسائل عبدالله بن سلام استناد کرده است. ۱۱- کتاب *البدء* را ابتدا از آن ابوزید بلخی می دانستند سپس متوجه شدند که این کتاب از مطهرین طاهر مقدسی است و اکنون به نام مقدسی شهرت دارد. لازم به تذکر است که در کتاب *البدء* و *التاریخ*، مسائل عبدالله بن سلام نیامده است، فقط احادیثی از او ذکر شده و از اسلام آوردن او یاد کرده است. در این قسمت هم نام عبدالله بن سلام را پیش از اسلام، حصین، نوشته است (مقدسی، بی تا: ۱۱۸/۵). در حالی که ابن وردی که معتقد است از کتاب *البدء* بلخی نقل کرده، نام او را اشمویل آورده است. این امکان وجود دارد که بلخی کتابی به نام *البدء* داشته است که غیر از کتابی است که به نام مقدسی چاپ شده است.

- 12- Hermann Dalmata
- 13- Theodor Bibliander
- 14- Y.A. Widmanstetter
- 15- Doctrina Mahometies

۱۶- برای یهودی ستیزی مسیحیان اندلس ر.ک *میراث مسلمانان در اندلس*.  
 ۱۷- متن مسائل عبدالله بن سلام که توسط دالاتا (کارینثیا Carintha) به لاتین ترجمه شد در دسترس این جانب نبوده است تا با متن مسائل عبدالله بن سلام موجود مقایسه شود.  
 ۱۸- (طبرسی، ۱، ۱۳۸۶، ۵۵/۱) آمده که عبدالله بن سلام همراه چهار تن از یهود از مدینه خارج شدند و نزد پیامبر رفتند و در مکه احتجاج بین پیامبر ﷺ و عبدالله بن سلام پیش آمد از جمله درباره این بود که آدم و نوح و سایر انبیاء از پیامبر برتر بودند ولی پیامبر ثابت کرد که او از آن ها برتر است (همان: ۵۵/۷) این مطالب با مسائل عبدالله بن سلام مطرح شده در *اختصاص و بحار الانوار* متفاوت است.

۱۹- برای متن مسائل عبدالله بن سلام ر.ک.  
 ۲۰- «ما قطعتم من لینه او ترکتموها قائمه علی اصولها فباذن الله و لیجزی الصادقین».  
 ۲۱- این روایت به صورت دیگری از امام حسن رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله کلماتی را که جبرئیل به ابراهیم آموخته بود برای علی رضی الله عنه تفسیر کرد. عبدالله بن سلام آن ها را شنید و تکبیر و تهلیل گفت (رواندی، بی تا: ۲۶۸).  
 ۲۲- درباره این که چرا از میان پیامبران، نوح را انتخاب کرده است ر.ک: (ابن سلام، ۱۳۸۴: ۳/۴۲۷).



- ۲۳- از قول عبدالله بن سلام نقل شده که وقتی به ملاقات عثمان رفت، عثمان گفت که پیامبر ﷺ را در خواب دیده و خبر از کشته شدن او داده است. علامه امینی در (الغدیر، ۳۱۰/۹) این خبر را از آفات راوی آن فرج بن فضل الله دمشقی دانسته است.
- ۲۴- بخاری در (التاریخ الصغیر، ۱/۱۱۸) این خبر را پس از شهادت علی رضی الله عنه ذکر کرده است. هم چنین سید بن طاووس در (الملاحم و الفتن، ۸۰).
- ۲۵- لا حاجة لنا فیمن لا حاجة له فینا.

## فهرست مراجع:

۱. آقا بزرگ طهرانی؛ ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م، *الذریعه الى تصانيف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
۲. آیتی، محمد ابراهیم؛ ۱۳۶۹، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: دانشگاه تهران.
۳. احمدی میانجی، علی؛ ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، طهران: دارالحدث الثقافه.
۴. احمدنژاد، امیر و کلباسی، زهرا؛ ۱۳۹۵ق، «بازخوانی شخصیت عبدالله بن سلام و جایگاه وی در زمان حیات پیامبر و دوره خلفا براساس روایتها و گزارشهای تاریخی»، *پژوهشهای تاریخی*، سال ۵۲، دور، جدید، سال ۸، ش ۲، پیاپی ۳۰ تابستان.
۵. امین، محسن؛ ۱۳۷۱ق، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن الامین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۶. امینی، عبدالحسین احمد؛ ۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م، *الغدیر*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۷. \_\_\_\_\_؛ ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م، *الوضاعون و احادیثهم*، تحقیق: رامی یوزبکی، بی جا: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
۸. ابن الاثیر، عزالدین علی؛ ۱۳۸۶ق/ ۱۹۶۶م، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
۹. ابن ابی الحدید؛ ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۹م، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
۱۰. ابن جوزی، ابوالفرج؛ ۱۳۶۸، *تلبیس ابلیس*، ترجمه: علیرضا ذکاوتی و آگزلو، تهران: نشر دانشگاهی.
۱۱. ابن حبان، محمد؛ ۱۳۹۳، *الثقات*، حیدرآباد: مؤسسه الکتب الثقافیه.
۱۲. ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد؛ ۱۴۱۵ق، *الاصابه فی تمیز الصحابه*، دراسة و تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العربیه.
۱۳. ابن حنبل، احمد؛ بی تا، *مسند احمد*، بیروت: دار صادر.
۱۴. ابن خلدون، عبدالرحمان؛ بی تا، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبع الرابعة.
۱۵. ابن داود الحلی؛ ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م، *رجال ابن داود*، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مطبعة الحیدریه.
۱۶. ابن سعد، محمد؛ بی تا، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
۱۷. ابن سلام هروی، ابو عبید القاسم؛ ۱۳۸۴ق/ ۱۹۶۴م، *غریب الحدیث*، تحقیق: عبدالمعیدخان، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف العثمانیه.
۱۸. ابن شبه نمیری، ابوزید عمر؛ ۱۴۱۰ق، *تاریخ المدینه المنوره*، قم: دارالفکر.



١٩. ابن شهر آشوب، محمد بن علي؛ ١٣٧٦ق/ ١٩٥٦م، **مناقب آل أبي طالب**، نجف اشرف: المكتبة الحيدرية.
٢٠. ابن عبد البر، يوسف احمد؛ ١٤١٢ق، **الاستيعاب**، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل.
٢١. ابن عساکر، ابوالقاسم علي؛ ١٤١٥ق، **تاريخ مدينة دمشق**، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٢. ابن وردى، زين الدين عمر بن مظفر (سراج الدين ابوالحفص عمر)؛ بي تا، **خريدة العجائب و فريدة الغرائب**، سربى مصر: بي تا.
٢٣. ابن هشام حميرى، ابو عبدالله محمد؛ ١٣٨٣ق/ ١٩٦٣م، **السيرة النبوية**، تحقيق: محمد محيى الدين عبدالحميد، مصر: مكتبة محمد علي صبيح و اولاد.
٢٤. ابوريه، محمود؛ بي تا، **شيخ المضيره ابوهريره**، بيروت: الاعلمى للمطبوعات.
٢٥. بحراني، سيد هاشم؛ ١٤١٣ق، **مدينة المعاجز**، تحقيق: عزه الله المولائى الهمدانى، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
٢٦. بخارى، محمد بن اسماعيل؛ ١٤٠٦ق، **التاريخ الصغير**، تحقيق: محمود ابراهيم زايد، بيروت: دارالمعرفة.
٢٧. \_\_\_\_\_؛ ١٤٠١ق/ ١٩٨١، **صحيح البخارى**، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٢٨. بدوى، عبدالرحمان؛ ١٩٨٩م، **موسوعة المستشرقين**، بيروت: دارالعلم للملايين.
٢٩. تفرشى، مصطفى بن الحسين الحسينى؛ ١٤١٨ق، **نقد الرجال**، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم: مؤسسة آل البيت.
٣٠. جعفرىان، رسول؛ ١٣٧٤، **تاريخ سياسى اسلام (١) سيره رسول خدا**، قم: الهادى.
٣١. \_\_\_\_\_؛ ١٣٧٧، **تاريخ سياسى اسلام (٢) تاريخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امويان**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
٣٢. حافظ اصبهانى، احمد بن عبدالله؛ ١٩٣٤م، **ذكر اخبار اصبهان**، ليدن: برييل.
٣٣. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله؛ بي تا، **مستدرک على الصحيحين**، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشى، بيروت: دارالمعرفة.
٣٤. حسينى آل مجدد؛ بي تا، **"فى بطلان حديث العشره المبشره"**، تراثنا، ش ٤١.
٣٥. حسينى طهرانى، محمد حسين؛ ١٤٠٨ق، **امام شناسى**، بي تا: حكمة.
٣٦. حلبى؛ ١٠٤٤، **السيرة الحلبية**، بيروت: دارالمعرفة.

۳۷. خوئی، ابوالقاسم؛ ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م، **معجم الرجال الحديث**، قم: مركز نشر الثقافة الاسلامية في العالم.
۳۸. ذهبی؛ ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م، **تاریخ الاسلام**، تحقیق: د. عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالكتاب العربی.
۳۹. راوندی، فضل الله؛ بی تا، **النوادر**، تحقیق: رضاعلی عسکری، قم: دارالحديث الثقافية.
۴۰. رحمانی همدانی، احمد؛ ۱۴۱۷ق، **امام علی بن ابی طالب علیه السلام**، تهران: المنیر للطباعة والنشر.
۴۱. ری شهری، محمد؛ ۱۳۷۶، **العلم والحکمه فی الكتاب والسنة**، قم: دارالحديث.
۴۲. زرکلی، خیرالدین؛ ۱۹۸۰م، **الاعلام**، بیروت: دارالعلم للملایین.
۴۳. سبحانی، جعفر؛ ۱۳۷۰، **فروع ابدیت**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۴. سید المرتضی، علی بن الطاهر؛ ۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م، **الامالی**، تحقیق: محمد بدرالدین الغسانی الحلبي. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي.
۴۵. سیدبن طاووس؛ ۱۴۱۶ق، **الملاحم والفتن**، اصفهان: مؤسسة صاحب الامر (عجل الله فرجه).
۴۶. شهید الثانی، زین الدین؛ ۱۴۱۷، **مسکن الفوائد**، تحقیق: مؤسسہ آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث. قم: مؤسسہ آل البيت.
۴۷. صدوق، محمد بن علی؛ ۱۴۱۷ق، **الامالی**، قم: مؤسسہ البعثت.
۴۸. \_\_\_\_\_؛ ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م، **علل الشرايع**، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف: المكتبة الحیدریة.
۴۹. طباطبائی، محمدحسین؛ ۱۳۹۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵۰. طبرسی، احمد بن علی؛ ۱۳۸۶ق/ ۱۹۶۶م، **الاحتجاج**، تحقیق محمدباقر الخراسان، نجف: دارالنعمان للطباعة والنشر.
۵۱. طبرسی، امین الدین ابوعلی الفضل بن الحسن؛ ۱۴۱۲ق، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: دانشگاه تهران.
۵۲. \_\_\_\_\_؛ ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م، **مجمع البیان**، بیروت: مؤسسة الاعلی للمطبوعات.
۵۳. \_\_\_\_\_؛ ۱۴۱۸ق، **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**، تحقیق: مهدی هوشمند، بی جا: دارالحديث.
۵۴. \_\_\_\_\_؛ ۱۳۹۲ق/ ۱۹۷۲م، **مکارم الاخلاق**، الطبع السادسة، بی جا: منشورات الشریف الرضی.

۵۵. طبری، محمد بن جریر؛ ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، **تاریخ الامم والملوک**، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
۵۶. \_\_\_\_\_؛ ۱۳۱۴ق، **دلائل الامامة**، قم: مؤسسة البعثة.
۵۷. طوسی، احمد بن محمد؛ ۱۴۱۵ق، **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۸. عاملی، جعفر مرتضی؛ بی تا، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، قم: مؤسسة نشر اسلامی.
۵۹. \_\_\_\_\_؛ ۱۴۱۲ق، **الصحيح من السيرة النبي الاعظم ﷺ**، بی جا: بی نا.
۶۰. عیاشی سلمی، ابوالنصر محمد بن مسعود؛ بی تا، **کتب تفسیر**، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۶۱. فتال نیشابوری، محمد؛ بی تا، **روضه الواعظین**، تحقیق: محمد مهدی السید حسن الخراسان، قم: الشریف الرضی.
۶۲. قاضی العیاض، ابی الفضل؛ ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۸م، **الشفاء بتعريف حقوق المصطفى**، بیروت: دارالفکر.
۶۳. قاضی النعمان المغربی، ابوحنیفه؛ ۱۴۱۴ق، **شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار**، تحقیق: محمد الحسینی الجلالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۶۴. قندوزی؛ ۱۴۱۶ق، **ینابع الموده لندوی القری**، تحقیق سیدعلی جمال اشرف الحسینی، بی جا: دارالاسرة للطباعة و النشر.
۶۵. کراچکی، محمد بن علی؛ ۱۳۶۹، **کنز الفوائد**، قم: مکتبه المصطفوی.
۶۶. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ؛ ۱۳۷۹، **تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۶۷. کریمی نیا، محمد؛ ۱۳۸۱، «**مروری بر کتاب هارتمون بویسن**»، مجله ترجمان، ش ۱۱.
۶۸. کوفی، محمد بن سلیمان؛ ۱۴۱۲ق، **مناقب الامام امیر المؤمنین**، تحقیق: محمد باقر المحمودی، ۶۹: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
۷۰. مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م، **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**، الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷۱. مسعودی؛ بی تا، **التنبیه و الاشراف**، بیروت: دار صعب.
۷۲. مطهری، مرتضی؛ ۱۳۷۸، **آشنایی با قرآن**، ج ۸؛ تفسیر سوره های طلاق، تحریم، ملک و قلم، تهران: صدرا.
۷۳. مفید، محمد بن محمد؛ ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م، **الامالی**، تحقیق: الحسین استادولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع.

٧٤. \_\_\_\_\_؛ ١٤١٤ق/١٩٩٣م، **الاختصاص**، صححه: على أكبر الغفاري، بيروت: دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع.
٧٥. مقدسى، مطهر بن طاهر؛ بي تا، **البدء والتاريخ**، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
٧٦. مكارم شيرازى، ناصر؛ ١٣٦٦، **تفسير نمونه**، تهران: دارالكتاب الاسلامية.
٧٧. نجاشى؛ ١٤١٦، **رجال النجاشى**، قم: مؤسسة النشر الاسلامى.
٧٨. واقدى، محمد بن عمرو؛ بي تا، **المغازى والواقدى**، بي جا: تحقيق ما.

79. *Horovitz*. J Abdalah B.Salam. EI VI.p52

